

فضول باشی و مدیرعامل استقلال

مدیرعامل باشگاه استقلال در یک برنامه تلویزیونی خبر از احتمال دیوانه شدنش داده است.

او می‌گوید: از دست بدهی‌های باشگاه کلافه شده و هر روز طلبکاری جدید قد علم می‌کند و مبالغ نجومی و سرسام‌آور را طلب می‌نماید.

به این مدیرعامل باید گفت: ای مرد آبی‌پوش، نانت نبود آبت نبود در این سن‌وسال مدیرعامل شدنت چه بود؟ تو که الحمدلله مشکل مالی نداری، دکترکه هستی، شوالیه هم که بودی، تخصص بمب ترکاندن هم که به نام تو ثبت شده است، با این‌همه افتخار بیکار بودی که دوباره سر از اردوی استقلال درآوردی و مدیرعامل شدی؟

اعتراف می‌کند که تا دلمان بخواهد استقلال در دریایی از غم و مصائب دستوپا می‌زند، آیا استرس ناشی از این‌همه فشار برای مردی چون او با سن‌وسالی که دارد برازنده است؟ حالا چون احتمال می‌دهد که تلاش‌ها برای حل مشکل استراماچونی به نتیجه نرسد و فیفا جرایی برای باشگاه در نظر بگیرد در برنامه تلویزیونی ظاهر می‌شود و بساط آه و ناله و چه کنم چه کنم پهن می‌کند.

همان روزی که با آغوش باز از پیشنهاد مدیرعاملی استقلال کرد باید به فکر این روزها هم می‌بود. اگر می‌دانست و قبول مسئولیت کرد که دیگر آه‌وناله و بحث دیوانه شدن و کلافه شدن مفهوم ندارد و اگر نمی‌دانست و مدیرعامل شد این‌هم نشان‌دهنده مدیریت کیلویی و بی‌برنامه و ناآگاهانه است که نتیجه آن‌هم گرفتار شدن در دام مشکلات و هدایت تا مرز دیوانگی است.

گفتم: فضول‌باشی چرا فتح‌اله‌زاده را در تیررس انتقادات قراردادی؟ او از جمله آدم‌هایی است که از مادر مدیرعامل متولد شده‌اند. عشقش مدیرعاملی، حضور در برنامه‌های مختلف و مصاحبه‌های رنگی و از همه مهم‌تر دل‌باخته رقابت با حریف قرمزپوش و بمب ترکاندن و سبقت گرفتن در فصل نقل‌وانتقالات از همه می‌باشد.

گفت: خیلی حرف‌های جالبی می‌زند که نشان از زرنگی اوست. می‌خواهد هواداران را از نظر ذهنی آماده پذیرش برخی از اتفاقات بکند، در صورتی‌که پول استراماچونی پرداخت نشود مسلماً فیفا جرایی در نظر می‌گیرد و او با اقدامات این روزهای خود می‌خواهد در صورت وقوع

چنین اتفاقی خود را تبرئه کند. مرد مؤمن اگر قرار بر این باشد که مشکلات باشگاه استقلال توسط وزیر و یا این و آن حل شود پس به تو چه نیازی بود که بیایی و حرفهای گنده بزنی. همان روزهای اولی که مدیرعامل شد چه حرفهایی که نگفت و چه ادعاهایی که نکرد، حتی خبر از آوردن رونالدو و مسی میداد و حالا برای پرداخت چند فقره بدهی باشگاه درمانده شده و از احتمال دیوانه شدنش خبر میدهد.

وی در ادامه میگوید: فتح‌اله‌زاده در بخش دیگری از سخنانش میگوید: که یک بازیکن جوان داریم که قرارداد سه‌ساله‌اش چهارمیلیارد میشود اما قراردادش را عوض کردند و ۳۳ میلیاردش نموده‌اند.

گفتم: آها، این‌جاش خیلی دردناکه، کلی‌گویی دردی است که برای درمانش اقدامی نمیشود، آقای فتح‌اله‌زاده چرا نباید بگوید که مبلغ قرارداد را چه کسانی بالا بردند، چرا باید عوامل این اقدام راست راست در جامعه بگردند و همچنان به کار خود ادامه بدهند، فتح‌اله‌زاده اگر به نتیجه قطعی رسیده که چنین کاری صورت پذیرفته سکوتش نمیتواند جایز باشد.

به او گفتم: بابا ولکن مگر میتواند حرف بزند و پرده‌ها را کنار بکشد. این کار یعنی پیچیدن تومار مدیریت و خداحافظی با صندلی سحرانگیز مدیرعاملی. ولش کن با این فوتبالی که ما داریم انتظار دارید مدیران عامل باشگاه‌ها افرادی غیر از فتح‌اله‌زاده‌ها باشند؟